بسم الله الرّحمن الرّحیم

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۱۶ تیر ۹۴

حمد و شکر و سپاس پروردگار با جبروت و بزرگوار را سزا که خود را بر بندگانش چنین معرفی فرمود: اوست خدای یگانه و بی‌شریک که دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربان است؛ و فرمانروا و پیروزمند و حکیم که هر چه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح گوی او هستند و آسمای نیکو از آن اوست. همان‌گونه‌ای که پروردگار عالم خود فرمود مرا به نام‌های نیکو بخوانید. نامی که در جوهره‌ی خویش ندایی را زمزمه می‌کند و آن ندا ضامن حیاتی می‌شود که نامش را کتاب آسمانی معرفی فرموده: ای بندگانم، من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم پس نامم را بخوانید تا به ندایتان پاسخ دهم، اینک آن ندا به سخن در می‌آید تا پروردگارش را در قالب رحمت بی‌منتهایش بخواند. زبانش را به حرکت در می‌آورد. صدایی از فضای دهانش به گوش نمی‌رسد، قلبش به تپشی خاص مبتلا می‌شود، ضربان جانش حکایتی را بیان می‌کند که زبانش قدرت تکلم آن را ندارد. مأموران الهی به کنارش می‌آیند، به جانش امر می‌شود که سخن بگو ولی جز همان ضربان، گواهی یافت نمی‌شود. چون اسرار آفرینش در ندای پروردگار عالم نهفته است و اسرار وجود انسان‌ها در پاسخ به آن ندا.

اگر توان جانی قادر به درک این تبادل باشکوه شد نامش عبدالرحمن است و اگر قادر شد تا نقش عبدالرحمن را در جانش جاودان نماید نامش مؤمن است و اگر توانست تا نقش مؤمن را به جانش هدیه کند نامش بنده است، بنده‌ای که بارکش مولای خویش است تا هر آنچه که بر پشتش نهاده‌اند را ببرد، پشتی که حکایت‌های شیرینی را در خود ذخیره نموده است.

بله این محبت و ارتباط بین خالق و مخلوق است که آن را در کمال عرفان و زیباییِ سخن، سرور عالمیان حضرت صدیقه‌ی کبری فاطمه‌ی زهرا (س) توصیف فرمودند که زبان، قادر به برقراری این ابراز بندگی و عشق را در توان خود ندارد، بلکه این

قلب‌هاست که آن را اگر کسی قطع نکرده باشد، جانش در احاطه‌ی انوارش از تاریکی به روشنایی درآمده و حاصلش قرب و اطاعت مطلق می‌شود.

امشب چه شبی است، چون جانی که همه ی لحظات عمرش منّور به انوار الهی بود و خورشید و ماه را به خاموشی مبدل می‌نمود، در خاک مطهری مدفون کردند و تا قیامت زمین و آسمان در عزایش ناله و فغان سر می‌دهند. این وجود مطهر ولی آدم، امیر مؤمنان امام و وصی بر حق، بنده‌ی مخلص، تجلی انوار حق، شمشیر عدالت، حضرت امام علی (ع) بودند که اگر وسعت علم و عرفانش را به اقیانوس‌ها عرضه می‌کردند برهوت می‌شد و ایستادگی و استواری‌اش را به کوه‌ها نشان می‌دادند به خاک تبدیل می‌شد. افسوس که بشر نشناخت تا راه نجات و رستگاری بیابد، در نتیجه حیران و سرگردان بین حق و باطل راه را گم کرد که در این مورد سرور عالمیان چنین فرمودند که: حرکت در حضرت آدم (س) اولین نشان خلقت بود، او برخاست تا به طرف خالق برود آیا به کدام سو باید می‌رفت. ندایی در نهانش او را می‌خواند. نوری در کنارش بود که او را می‌دید، به او گفت ای پدر دست مرا بگیر من تو را تنها نمی‌گذارم. حضرت آدم سؤال کرد آیا تو مأمور خالق هستی و آن نور گفت من امام و مقتدای تو هستم. نام من علی همنام پروردگار توست، پس مرا بشناس تا تو را یاری کنم. حضرت آدم (س) به آن نور متوسل شد تا او را در حرکت به طرف ندای درونش یاری کند و در تمام مراحل آسایش و سختی با نور ولایت و امامت زندگی نمود و سرانجام به الیه راجعون که همان مکان نخست بود بازگشت. پس پروردگار کریم از روی لطف و احسان خویش انواری را خلق فرمود تا همواره نوری از خالق را در جهان هستی به نمایش گذارند تا مردم معنی و مفهوم الله نور السموات و الارض را درک کنند.

پس می‌بینیم امیر مؤمنان علی (ع) قبل از خلقت زمینی‌اش با انوارش هدایت کننده و نجات‌دهنده بود و در حیاتش و بعد از شهادتش نیز با راه و رسم زندگی‌اش و فرموده‌های گهربارش باز هادی و منجی بشریت است که خود امیر مؤمنان علی (ع) چنین فرمودند: ای مردم من می‌خواهم که روپوش را از روی عدالت بردارم و

دادگستریِ تاریک را برای شما روشن کنم و راه حق را که در نظر شما کج و معوج کرده‌اند به صورت اصلی آنکه راه راست است برگردانم، خداوندا کاری که من کردم برای این بود تا آنچه از دانایی‌ها و فرهنگ که در دین تو هست به آن برگردانم و در بلاد تو اقدامات اصلاحی را به موقع اجرا بگذارم تا این‌که بندگان تو که گرفتار ستم بوده‌اند به امنیت و آرامش برسند و احکام تو به حدودی که باید داشته باشد برگردد. ا ی مردم شما باید بدانید آن کس که سِمت ولایت را بر مسلمین دارد و بر مسائل مربوط به ناموس و خون و مال و غنائم جنگیِ آن‌ها حکم می‌کند و پیشوای آن‌ها به شمار می‌آید نباید بخیل باشد، چون اگر یک مرد بخیل والی مسلمین بشود به سبب بخل خود در اداره‌ی امور اموال مسلمین افراط و تفریط می‌نماید و یک مرد نادان نباید دارای مرتبه‌ی ولایت مسلمین بشود، زیرا بر اثر نادانی، مسلمان‌ها را به‌سوی گمراهی و پریشانی روزگار رهبری می‌نماید.

اینک در این شب حزن و ا ندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدسِ وارث حقیقی و جانشین بر حق امیر مؤمنان علی (ع) منجی بشریت، ولی و امام راستین مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) قسمتی از بیانات گران‌قدر ایشان را بیان می‌کنیم که فرمودند:

امشب جان عالم در عروج جانی ملکوتی در ناله و فغان است آیا فغانش را می‌شنویم؟ اگر می‌شنوم پس پاسخ می‌دهم: ای پروردگارم رمز شهادت بهترین برگزیده‌ات در این شب قدر چیست؟ چگونه جان با عزتش توانست بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند و بر ملکوت سفر کند و منتظران و شیعیان جدم در این کوی عشق با تو پروردگارم چنین نجوا می‌کنند: من در تمام سال‌های عمرم در چنین شبی بر این عروج ملکوتی بر سر و سینه زنم و نامش که اسماء حسنی است با گریه و تضرع بخوانم. اینک به رمزش آگاه شدم و آن صبح را که دیگر در پی‌اش شبی ندارد را شناختم، فرق بندگی اگر نشکافد نمی‌تواند بر بال‌های فرشتگان قدر بنشیند. پس ای پروردگارم این سر پرشور را که به تمنای رسیدن به وعده‌هایت قدر نشین این شب است را دریاب تا توان تحمل مصیبتی را که جهل جاهلان دهر بر جانم همواره نموده است را بیابم و آن‌چنان ناله

کنم که مرا با نام علی مدد کنی و دست ناتوانم را در دستان یداللهی‌ات از لغزش گناه نجات بخشی. پس با تضرع که رمزش را آموختم فریاد می‌زنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com